در لحظه حساس حتما لازم نیست رییس باشم

ادامه از صفحه ۶

یعنی بعد از فوت آیت‌الله مشکینی که نامزد شدید، در این شرایط قرار گرفته بودید؟

قبل از فوت ایشان، من نایب‌رییس بودم که معمولا جلسه را اداره می‌کردم. بحث انتخاب هیات‌رییسه مطرح شد که من گفتم: اگر فلانی باشد، من حتما می‌آیم و نامزد می‌شوم. شب صحبت کردند و گفتند: او نیست و دیگری می‌آید. فردا که ما در آنجا نشسته بودیم و می‌خواستیم رای بگیریم، دیدم به قرار وفا نشد، در همانجا استخاره کردم و اقدام کردم.

الان تقریبا مشخص است که چه کسی می‌آید و چه کسی نمی‌آید.

هنوز خیلی مشخص نیست و همین روزها دارد تصمیم‌گیری می‌شود.

فعلا آیت‌الله هاشمی شاهرودی مطرح هستند.

افرادی هستند. باید در آنجا ببینیم. ملاک من این است که واقعا کسی باشد که در حد شأن خبرگان باشد.

تعدادی از اعضا به شما نامه نوشتند و از شما خواستند برای ریاست مجلس خبرگان نامزد شوید. این را تایید می‌کنید یا نه؟

بعضی‌ها خواستند.

اکثریت هستند یا اقلیت؟

می‌گویند اکثریت مجلس هستند، ولی من تحقیق نکردم.

پس اصل نامه را تایید می‌فرمایید؟

بله، خبرش در رسانه‌ها آمده است. حتی اگر اکثریت باشند، اگر فرد مناسبی باشد، چه لزومی دارد من برای ریاست خبرگان بروم؟ در مجمع تشخیص هستم و خدمت می‌کنم.

ظاهرا سرنوشت شماست که هر دو سال یک‌بار در مقابل تصمیم سخت قرار بگیرید که بیایید یا نیایید. الان هم همان وضعیت است که آیا هاشمی برای ریاست خبرگان می‌آید یا نمی‌آید، همواره باید در مقابل این تصمیم قرار بگیرید.

این شرایط ربطی به من ندارد. الان رییس مجمع هستم و مجمع هم خیلی کار دارد که باید انجام بدهیم.

خود شما می‌دانید که اهمیت خبرگان بیشتر از مجمع است.

خیلی بیشتر نیست. البته اساس آن مهم‌ترین هدف است. من در آنجا هستم و عضو خبرگان هستم.

در مجلس که شما رییس مجلس بودید، بسیار در تعیین روندهای مجلس و سمت و سوی تصمیم‌گیری به‌عنوان رییس مجلس تاثیر داشتید، آیا در خبرگان هم این‌گونه است؟

فقط یک وقت کار هیات‌رییسه خبرگان حساس می‌شود و آن موقعی است که بخواهد رهبری جدید انتخاب شود. اساس این است و ممکن است در ۲۰ یا ۳۰ سال و کمتر و بیشتر یک‌بار اتفاق بیفتد. بقیه‌اش عمدتا سخنرانی است. مدتی تدوین آیین‌نامه طول کشید که بحث‌های تدوین قانون را برای خودمان می‌گذاشتیم. به‌علاوه سخنرانی هم داریم. ۱۶ نفر ظرف دو روز سخنرانی می‌کنند. دو سخنران هم از بیرون می‌آیند تا درباره شرایط کشور و مسایل امنیتی، اقتصادی و چیزهای مهم برای اعضا توضیح بدهند. در این وسط، خیلی کار نیست.

در آن لحظه حساس، هیات‌رییسه خیلی موثر است.

آن لحظه حساس، مهم است. برای آن لحظه حساس حتما لازم نیست رییس باشم، کافی است عضو خبرگان باشم. انسان در خبرگان می‌تواند صحبت کند و نظرش را بدهد و اگر بخواهم، تاثیرگذار هم خواهم بود.

بعد از سال ۸۸ اتفاقاتی افتاد، یکی همین بود که گفته می‌شد بعضی از اعضای خبرگان با محدودیت‌هایی مواجه شده بودند.

ممکن است. چون آنجا حساس‌تر است و گاهی حرف‌های خاص می‌زنند. عده‌ای هستند که تحمل نمی‌کنند. البته سلب عضویت نمی‌شود و می‌تواند بیاید. خودش تشخیص می‌دهد که وقتی نمی‌گذارند حرف‌هایم را بزنم، چرا بروم؟!

شما می‌گویید من عضو آنجا هستم و می‌توانم کارهایم را انجام بدهم. ممکن است این شرایط برای شما هم به‌وجود آید؟

نه، تا این حد نیست. اگر بخواهم صحبت کنم، استقبال می‌کنند. اگر آن‌گونه شود، دیگر من تاثیری ندارم.

اگر در هیات‌رییسه نباشید، ممکن است فضا برای شما هم تنگ شود؟

هیات‌رییسه با دیگران فرقی ندارد. رییس یک مقدار در تنظیم برنامه، وقت‌دادن یا ندادن تاثیر دارد، اما بقیه زحمت می‌کشند که منشی‌ها و نواب رییس هستند. من فکر می‌کنم آن‌گونه نیست. البته همین که الان می‌گویم؛ اگر احساس کنم وجودم ضروری است، تردید نمی‌کنم و می‌آیم. تا الان چنین تشخیصی نداده‌ام.

آن آقای هاشمی که در دهه ۷۰ می‌دیدیم، با آقای هاشمی که در دهه ۹۰ می‌بینیم، به لحاظ گفتمانی و ادبیاتی که به کار می‌برند، تغییراتی کرده‌اند. دوست داشتم سوال کنم علت اینها چه بوده است؟ آیا خود شما تغییر کردید یا جامعه بیرونی تغییر کرده است؟ صحبت‌هایی که الان آقای هاشمی می‌کنند، بحث آزادی بیان، دموکراسی، حقوق ملت و آزادی است. می‌خواستم بدانم که آیا آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به اولویت توسعه سیاسی بر اقتصادی رسیدند؟ تغییری ایجاد شده یا خیر و علت چیست؟

اولا من همیشه براساس اصول اسلامی که مبتنی بر اعتدال است، رفتار می‌کردم و حتی قبل از انقلاب هم همیشه چنین بودم. ثانیا انسان یک موجود اجتماعی است و اگر قرار باشد، همیشه یکسان باشد که اصلا درست نیست. اسلام هم چنین نمی‌خواهد. شرایط زمانه عوض می‌شود. ثالثا من هیچ‌وقت فکر نکردم که چرا این‌گونه شده‌ام. اگر شما تغییری می‌بینید، دلیلش این است که در گذشته افراد تندرو، چنان میدانی نداشتند که بیایند تریبون‌های اساسی را بگیرند و حرف‌های تندی بزنند و کارهای آن‌گونه بکنند و بتوانند در دانشگاه‌ها و اجتماعات، هر کاری بخواهند، انجام بدهند. در دوره من و در دوره آقای خاتمی این‌گونه نبود. بعدها به تدریج این‌گونه شد و طبعا من هم با این تندروی مخالفت می‌کنم. وقتی می‌بینم با این تندروی می‌خواهند حقوق مردم را ضایع و مردم را مأیوس کنند که در انتخابات شرکت کنند یا در مجامع حضور داشته باشند، براساس وظیفه اسلامی، انسانی و انقلابی‌ام وارد می‌شوم. اگر شما تفاوتی احساس می‌کنید، به خاطر این است. اگر مسوول بودم، باید حقوق مردم را مراعات می‌کردم و الان که مسوول نیستم، اگر دیگری مراعات نکند، باید بگویم.

الان اصلاح‌طلب‌ها احساس قرابت و نزدیکی بیشتری با شما می‌کنند و برای اصولگراها سوال بزرگی پیش آمده که چرا آقای هاشمی از ما دور شدند و چرا به اصلاح‌طلب‌ها نزدیک‌تر هستند؟

من اصلاح‌طلب و اصولگرایی را دو لفظ برای بازی‌های سیاسی می‌دانم. وگرنه کدام اصولگرایی، اصلاح‌طلب نیست و کدام اصلاح‌طلبی به اصول اسلام و انقلاب پایبند نیست؟ درخصوص من و احساس قرابت آنها، بیشتر به کارهای آنها برمی‌گردد. خود آنها گویا در مخالفت با من تقسیم کار کرده‌اند. زمانی اصلاح‌طلب‌ها و زمانی اصولگراها منتقدان تخریب‌گرای من بودند. البته هیچ وقت افراد معتدل دو جریان چنین نبودند و همیشه این تندروهای دو طرف بودند که چنین می‌کردند. من هیچ‌وقت این طرفی و آن طرفی نبودم. حتی در حزب جمهوری اسلامی هم که بودیم، دو جناح داشتیم، یک عده محافظه‌کار و یک عده رادیکال بودند و ما موضع میانه داشتیم. در مجلس هم که بودم، چنین بودم و سعی می‌کردم هر دو را مراعات کنم. رییس‌جمهور هم که شدم، کابینه‌ام را از دو گروه تشکیل دادم و توازن را حفظ کردم. چون می‌بایست استاندارها را تایید می‌کردم، در هر دو دوره به وزرای کشور می‌گفتم که توازن را حفظ کنید و در این حد حفظ می‌کردند.

شما به مجلس اول اشاره کردید. درگیری‌های مجلس اول و برخوردی که با آقای بازرگان و گروه نهضت آزادی می‌شد، انگار یک مقدار به برخوردی که الان برخی در مجلس نسبت به شما و خانواده شما دارند، شباهت دارد. عکسی هست که خیلی معروف است و فکر می‌کنم به آقایان صباغیان و معین‌فر حمله می‌شود و شما در جایگاه هیات‌رییسه نشسته‌اید و لبخند بر لب دارید. نمای این عکس این‌گونه است که رضایت دارید. نظرتان چیست؟

در فرهنگ و ادبیات ایران، نوعی بیان مطلب به نام طنز داریم که یک ماجرای تلخ و غم‌انگیز را با زبان ملیح و طنز بیان می‌کنند. همین الان وقتی در فیلم‌ها، پارلمان‌ها را می‌بینم که اعضا دارند با هم دعوا می‌کنند، خنده‌ام می‌گیرد. در آن تصویر هم منظره‌ای بود که شخصیت‌های مهم مملکت پشت تریبون آمده بودند و با هم درگیر شدند و می‌خواستند همدیگر را از آنجا بیرون کنند. منظره، یک طنز تاریخی بود. هر کس هم بود، لبخند تلخی می‌زد که چرا اینها با هم این‌گونه رفتار می‌کنند؟ در همان صحنه من خیلی زود آنها را از هم جدا کردم. وقتی جلسه متشنج شد، یک ربع تنفس دادم تا همه بیرون بروند و فضا تلطیف شود. در مجلس احترام همه گروه‌ها را نگه می‌داشتم. تندروی در آن مجلس هم بود. علتش هم این بود که وقتی اولین انتخابات مجلس شد، کسانی که جوان بودند و در شهرشان مبارزه کرده و در شهرشان خوب شناخته‌شده و همیشه در صف مقدم بودند، رای آوردند و وارد مجلس شدند. اکثریت مجلس از آن افراد روحانی و غیرروحانی بود. عده کمی از تیپ آقای مهندس بازرگان بودند که معمولا از تهران و شهرهای بزرگ انتخاب شده بودند. اینها ۲۰ نفر بودند و بقیه از آن تیپ بودند که روحیات تند انقلابی داشتند. به همین خاطر همیشه با ملی‌گراها مشکل داشتند، ولی من مراعات می‌کردم. حتی یک‌بار پاسدارهای دم در مجلس موقع آمدن‌ورفتن، با آنها خوش‌رفتاری نکردند که تنبیه‌شان کردیم. در نمازجمعه علیه مهندس بازرگان شعار می‌دادند که جلوی آن را گرفتم و گفتم که حق مهندس بازرگان با آن سوابق این نیست. در آن شرایط، اینها تحت فشار افکار عمومی تندروها بودند. سفارت آمریکا را گرفتند و گاهی در دانشگاه‌ها هم دعوا می‌کردند. ما مجلس را در آن شرایط اداره می‌کردیم.

می‌خواستیم به پرونده مهدی هاشمی بپردازیم. الان چه در مجلس و چه در رسانه‌های آن‌طرف و این‌طرفی راجع به آن خیلی بحث می‌شود. می‌گویند که با توجه به محکومیت رحیمی، عده‌ای دنبال این هستند که حتما محکومیتی هم برای مهدی هاشمی در نظر گرفته شود تا به گونه‌ای توازن رعایت شده باشد. می‌خواستم نگاه و جمع‌بندی شما را از ماجرا بدانم.

چون دادگاه علنی نیست، نمی‌توانم حرف‌های آنجا را بزنم. ولی ماحصلی که به من اطلاع داده شده، این است که اینها بدون هیچ دلیلی تعداد زیادی اتهام درست کرده بودند. مثلا همین قضیه استات‌اویل قبلا سه‌بار مطرح شده بود و هر سه‌بار گفتند که هیچ ردی از مهدی هاشمی در آن نیست و هیچ اسمی از مهدی هاشمی در قراردادی که عباس یزدان‌پناه بست، دیده نمی‌شود. یک‌بار چندگروه از اینجا فرستادند که برادر آیت‌الله خامنه‌ای هم در جمع آنها بود. مجلسی‌ها و اطلاعاتی‌ها بودند که رفتند و وقتی برگشتند، گفتند: ما چیزی ندیدیم. یک‌بار هم در مجلس تحقیق و تفحص گذاشتند. آنها هم کلی کار کردند و به خارج رفتند. اینها گزارش‌های کتبی دارد و الان موجود است. همه در دادگاه مطرح شد. آنها هم گفتند که ردپایی ندیدیم. یک‌بار دیگر مجلس از آقای زنگنه به عنوان وزیر نفت سوال کرد. آقای زنگنه به مجلس رفت و گزارش داد. آقای اعلمی سوال کرده بود. آقای زنگنه هم گزارشش را داد و بعد از آقای اعلمی پرسیدند که قانع شدید؟ گفته بود که اگر مجلس قانع شده باشد، من هم قانع هستم. فریاد نمایندگان بلند شد که ما قانع شدیم. او هم گفت: من هم قانع هستم. این موضوع سه‌بار اتفاق افتاده بود. وزارت اطلاعات آن‌زمان در گزارشی مهدی را مبرا اعلام کرد.

ولی این را هم در پرونده گذاشته بودند. بقیه هم عین همین‌ها بود. یعنی هیچ چیز نداشتند. تا به حال دادگاه دلیلی برای جرم مهدی پیدا نکرده است. البته هنوز حکم نداده است.

می‌گویند این به انتخابات ریاست خبرگان گره خورده است. تایید می‌کنید؟

ربطی به هم ندارد.

می‌خواهند این را به‌عنوان یک ابزار علیه شما استفاده کنند؟

اگر بخواهند بکنند، در هر صورت می‌کنند.

اینکه شما مثلا برای خبرگان نامزد نشوید.

فرض کنید من رفتم و رییس هم شدم، آنها باز هم کار خود را می‌کنند. اگر رییس نشوم هم کار خودشان را می‌کنند. آنها می‌خواهند این کار را بکنند و همین الان هم می‌کنند. مطلب این است که یک گروه با اهداف تخریبی هرچه دلشان می‌خواهد، می‌گویند. مهدی مجموعه کارهای آنها را جمع کرده که در سایت‌ها، تریبون‌ها و روزنامه‌ها گفته و نوشته‌اند. این فشارها روی قاضی خیلی اثر می‌گذارد. نمایندگان مجلس آن‌گونه حرف می‌زنند. یک نماینده مجلس موضوعی را که سه بار در مجلس رد شده، تکرار می‌کند و دروغ هم می‌گوید. با این وضع قاضی باید خیلی شجاع باشد که در این فضا رای بدهد.

من نمی‌خواهم دخالت کنم. من از اول به رهبری و رییس قوه‌قضاییه و همه گفته‌ام. قاضی را نمی‌شناسم و هیچ وقت ندیده‌ام. به اینها گفتم اگر مهدی جرمی کرده باشد، ترجیح من این است در دنیا جزایش را ببیند و به آخرت نیفتد. چون آخرت خیلی سخت است و اگر جرمی نکرده، این در شأن جمهوری اسلامی نیست که انسانی را که جرم ندارد، به دلیل مسایل سیاسی، متهم یا محکومش کنند. من باید از جمهوری اسلامی دفاع کنم. نظر من این است. بنابراین در دادگاه هیچ دخالتی نکردم. با اینکه قاضی روحانی است، من اصلا ندیده‌ام و نخواسته‌ام ببینم. الان دادگاه تمام شده و مهدی و وکلایش آخرین دفاعشان را به‌صورت لایحه نوشتند که نزدیک دوهزار صفحه و خیلی‌خواندنی است و بعدها می‌تواند یک کتاب شود. ما هم نمی‌خواهیم در کار قوه‌قضاییه دخالت کنیم. حرف من با همه اینها این است که از بالا دستور ندهید و اگر از بالا دستور دادید، خلاف موازین قضایی و شرع است.

ممکن است در صورت محکومیت، سکوتتان را بشکنید؟

اعتراض می‌کنم، دعوا نمی‌کنم. اگر قاضی به حکم برسد، هیچ حرفی ندارم، چون قانون است و اگر قاضی نرسد و دستور بدهند، طبعا هرکس هم باشد، اعتراض می‌کند.

در آستانه عید نوروز و سال جدید هستیم. با توجه به مجموعه اتفاقات امسال، چه پیامی به مردم دارید؟

مجموعه اتفاقات امسال برای دنیای اسلام اصلا خوب نبود و در داخل کشور هم با وجود همدلی مردم، بعضی‌ها نخواستند با مردم همراه شوند که بعضا حرف‌های دلسرد و تفرقه‌انگیز می‌زدند. امیدوارم در سال آینده اولا مسلمانان به وحدت اسلامی برسند و دیگر نبینیم گروهی به اسم اسلام، مردم را بکشند. ثانیا در داخل هم اگر در زندگی فردی مردم ـ خدای نخواسته ـ کدورتی هست، نوروز بهترین فرصت است که به دیدار هم بروند. ان‌شاءالله سالی سرشار از موفقیت‌های فردی و اجتماعی برای مردم باشد.

> فقط یک وقت کار هیات‌رییسه خبرگان حساس می‌شود و آن موقعی است که بخواهد رهبری جدید انتخاب شود. اساس این است و ممکن است در ۲۰ یا ۳۰ سال و کمتر و بیشتر یک‌بار اتفاق بیفتد. بقیه‌اش عمدتا سخنرانی است. مدتی تدوین آیین‌نامه طول کشید که بحث‌های تدوین قانون را برای خودمان می‌گذاشتیم. به‌علاوه سخنرانی هم داریم.

ادامه از صفحه اول

حالا نوبت بگم‌بگم ماست

وزیرکشور پیش از این گفته بود: «ورود پول‌های کثیف به چرخه انتخاباتی متاسفانه باعث ایجاد شکاف، اعمال‌نظر و اعمال‌قدرت توسط برخی افراد شده است.» رحمانی‌فضلی همچنین عنوان کرده بود حاضر است در یک‌جلسه غیرعلنی در مجلس، فرآیند پول‌های کثیف را به نمایندگان توضیح دهد. او خطاب به نمایندگان مجلس افزوده بود: «بنده انتظار دارم مجلس با وزارت‌کشور هم‌صدا شود، تا بتوانیم با این جریان، جدی مبارزه کنیم.» گفتنی است برخی نمایندگان مجلس او را به‌دلیل عنوان این مطالب تهدید به استیضاح کرده‌اند. مشاور ارشد رییس‌جمهوری نیز در همین‌باره گفته بود: «اینها هراسمی روی خودشان بگذارند و هرائتلافی برای انتخابات انجام دهند، نمی‌توانند از پول‌های کثیفی که به دست آورده‌اند، تبری بجویند.» ترکان عنوان کرده بود: «آنها با این پول‌های کثیف می‌خواهند در آوردگاه‌های سیاسی سال۹۴ شرکت کنند و اینکه سال۹۴ ما سکوت کنیم و چیزی نگوییم و نقاب از چهره کسی برنداریم، درست نیست.»

دولت احمدی‌نژاد، آلوده‌ترین دولت انقلاب

حجت‌الاسلام اشرفی‌اصفهانی، اما به‌روشنی عنوان کرده است: «پول‌های کثیف فقط‌وفقط مربوط‌به دولت نهم و دهم بوده و ما (اصلاح‌طلبان و دولت یازدهم) هرچه می‌کشیم از دولت احمدی‌نژاد است، چراکه قبل از دولت محمود احمدی‌نژاد اصلا این مسایل مطرح نبود.»او بابیان‌اینکه «روح حاکم بر دولت اصلاحات و کارگزاران، ایثارگری، فداکاری و ازخودگذشتگی بوده است»، گفته است: «ان‌شاءلله کم‌کم مسایل باز و روشن می‌شود و مردم روشن خواهند شد و به قضاوت خواهند نشست که آیا دولت دهم پاک‌ترین دولت بعد از انقلاب بوده است؟»رییس هیات بدوی رسیدگی به تخلفات نهاد ریاست‌جمهوری، همچنین تاکید کرده است: «دولت محمود احمدی‌نژاد، آلوده‌ترین دولت تاریخ بعد از انقلاب است، درحالی‌که این دولت خود را از همه دولت‌ها ممتاز می‌دانست، اما مردم با قضایای معاون‌اول (محکومیت محمدرضا رحیمی از سوی دادگاه) دیدند که ویژگی‌های ممتاز این دولت چه بود.»اشرفی‌اصفهانی ادامه داده است: «آقای رحیمی تا قبل از اینکه به زندان برود، ۹اتومبیل دراختیار داشت که این اتومبیل‌ها مربوط‌به بیت‌المال بود و نمی‌آمدند پس بدهند. نباید با بیت‌المال چنین برخوردهایی صورت بگیرد.»محمدرضا رحیمی که روز گذشته پس از اتمام زمان مرخصی به زندان اوین بازگشته است، براساس رای دادگاه به پنج‌سال‌و۹۱روزحبس و پرداخت سه‌میلیاردو۸۵۰میلیون‌تومان جزای نقدی محکوم شده است. او به جرم فساد مالی متهم شناخته شد.

حرف ترکان مستند است

رییس هیات بدوی رسیدگی به تخلفات نهاد ریاست‌جمهوری با تاکیدبر اینکه «ورود پول‌های کثیف فقط مربوط‌به دولت احمدی‌نژاد بوده است»، گفت: «اگر در دولت‌های قبل چنین مسایلی وجود داشت، احمدی‌نژاد پیش‌دستی و یک‌کلاغ‌وچهل‌کلاغ می‌کرد. حالا نوبت ماست که بگم، بگم‌ها را شروع کنیم.»او بااشاره‌به اظهارات مشاور ارشد رییس‌جمهوری مبنی‌براینکه «سال۹۴، سال افشاگری خواهد بود»، افزود: «آقای ترکان حرفی را بدون سند نمی‌گوید، قطعا برای همه افشاگری‌ها سند دارند، اما نمی‌خواهند تا قبل از پایان سال افشاگری کنند؛ چراکه برخی مستندات باید جمع‌آوری و ضمیمه دیگر مستندات شود.» او با تاکیدبر اینکه «سال آینده، سال مهمی خواهد بود»، گفته است: «در اسفندماه سال آینده، انتخابات خبرگان‌رهبری و مجلس‌برگزار خواهد شد، بنابراین اگر آقایان بخواهند این طرف سال(۹۳) افشاگری کنند، ممکن است مطالب کهنه شود.»او با تاکید بر اینکه: « نباید افرادی که پول گرفته‌اند به مجلس راه پیدا کنند.» گفت: «دولت می‌خواهد دیرتر معرفی کند تا مردم حضور ذهن داشته باشند و بدانند چه کسانی این کارها را انجام داده‌اند.»

ادامه از صفحه ۴

حرمت و حقوق آدمیان

این خودبرتربینی که در برخی قلم‌ها و نوشته‌ها و گفتارها خود را نشان می‌دهد، از نگاه و زوایای اصول اخلاقی و اسلامی مطرود و مذموم است. با چه حجتی در نزد خدا، به افراد اتهام، ضد نظام، همدست با بیگانگان و مخالف ارزش‌ها زده می‌شود و در برخی رسانه‌ها برایشان محکمه تشکیل می‌شود...و با هجمه و جنجال، افراد به‌صورت غیابی محاکمه می‌شوند؟ چرا نباید از سیره امام علی (ع) با مخالفان خود درس بیاموزیم؟ خوارجی که دست به شمشیر نبرده بودند ولی به عقیده خود باقی بودند، حضرت آنان را در پناه حکومت خود جای دادند و فرمودند: لا تقتلوا الخوارج من بعدی فلیس من طلب الحق فاخطاه کمن طلب الباطل فادرکه، یعنی پس از من خوارج را نکشید؛ زیرا آنکه در جست‌وجوی حق می‌رود و در راه خطا گام می‌گذارد، همسان کسی نیست که هدف باطلی را دنبال می‌کند و بدان دست می‌یابد. امام علی (ع) می‌داند که خوارج نیز در جست‌وجوی حق بوده‌اند ولی خطا رفته‌اند. با این حال با آنان به عنوان یک شهروند برخورد می‌کند و دستور می‌دهد کسی متعرض آنان نشود. آیا احترام به حقوق بشر از این بالاتر می‌شود؟ پیامبر در مدت ۲۳ سال بعثت به گونه‌ای مخالفان خود را به صف مومنان درآورد که خداوند فرمود: و یدخلون فی‌الدین الله افواجا، اینکه فوج‌فوج و گروه‌گروه مردم به دین درآمدند. جز با سرمایه اخلاقی پیامبر نبود که در چندجای قرآن به آن اشاره دارد. مخالف یا منتقدی را از طریق رسانه‌ها خردکردن و از اذهان انداختن و احیانا از حقوقش محروم‌داشتن کار دشواری نیست. اما ساختن یک انسان نمونه و الگو و باسابقه برای انقلاب و نظام کار آسانی نیست. باید مواظب باشیم که با سرمایه‌های انسانی چه می‌کنیم. امروز که بحث از توسعه در یک کشوری می‌شود، نخست توسعه را از توسعه انسانی آغاز می‌کنند؛ اینکه با انسان‌های اسوه، فکور و فرهنگی چگونه برخورد می‌شود. سخن‌گفتن احساسی در خطبه و خطابه نسبت به دیگران یا فعال‌کردن یک سایت، چندان کار دشواری نیست؛ اما بازتولید این نوع رسانه‌ها نسبت به سرمایه‌های انسانی و ملی و انسان‌های فکور و فرزانه تا چه میزان است؟ شاید کمتر مکتبی مانند اسلام روی کرامت آدمی انگشت گذاشته باشد. عرفای ما درباره حفظ شان و کرامت آدمی تا آنجا پیش رفته که گفته‌اند: «نانش دهید و از آیینش نپرسید». در طریقت امثال حافظ که از مفاخر فرهنگ ایران و جهان است، گناهی غیر از انسان‌آزاری نیست. «مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن/ که در طریقت ما غیر از این گناهی نیست». حال شاید این مضمون را با این اطلاق ،پاره‌ای نپذیرند ولی نقطه حساس امثال این کلام این است که نباید آدمیان از دست همنوعان خود برنجند. ادبیات، هنر، موسیقی، شعر، رنگ‌هایی که امثال کمال‌الملک و پیکاسو و داوینچی و سایر نقاشان بزرگ به روی کاغذ ریخته‌اند، برای این بود که انسان در مسیر زیبایی و زیبانگری در راه مکارم اخلاقی گام بردارد. تاریخ واقعی بشر، تاریخ تمدن و فرهنگ و هنر و معنویت و حفظ حقوق آدمیان و در یک کلام تاریخ اخلاق است و نه تاریخ جنگ و جدال و حذف رقیب و برخوردهای ناعادلانه که به رنج آدمیان انجامیده است. آفریده‌های قلم و سخن در رسانه‌ها و مطبوعات باید مانند آفریده‌های هنرمندان بزرگ باشد که آدم‌ها را به سوی خود جذب کند. نیک بدانیم هنر و هدایت قرآن و کلام پیامبر در این راستا صورت گرفته است.

دلش به ناله میازار و ختم کن حافظ / که رستگاری جاوید در کم‌آزاری است

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۸۱۹۳۹۷۹ – ۸۸۱۹۰۴۶۸

ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR